



# دست به کار شوید - علیه یهودستیزی! #2

## یهودستیزی در لانه خرگوش: درباره روایت‌های توطئه

### روایت‌های توطئه و یهودستیزی - توضیح و روند تحول

اغلب از واژه «تئوری توطئه» استفاده می‌شود. از این واژه این ایده خیالی استنباط می‌شود که برخی رویدادهای اجتماعی گذشته و حال (یا حق همگی، یعنی کل تاریخ ما) نتیجه یک تئوری هستند: ادعا می‌شود که یک گروه خاص در پشت صحنه سررشته امور را در دست دارند و یک برنامه مخفیانه را اجرا می‌کنند. به دلیل آن که آن‌ها داستان‌های تخیلی هستند که چندان یا اصلاً ارتباطی با واقعیت ندارند و نه تئوری‌هایی به مفهوم علمی، در این متن از کلمه روایت توطئه استفاده می‌شود. (هنگامی که افراد، به طور مثال با دنبال کردن همیشگی نزدیکترین لینک در اینترنت، به صورت عمیق‌تر در باورها به روایت‌های توطئه به طور فزاینده بزرگ‌تری غرق می‌شوند، گفته می‌شود که آن‌ها «در لانه خرگوش» افتاده‌اند.)

یهودستیزی برداشت خاصی از یهودیان است که ممکن است به صورت نفرت نسبت به آن‌ها یا نسبت به مراکز و نهادهای یهودی ابراز شود. دشمنی جامعه با یهودیان از دیرباز در بردارنده این انگیزه بوده است که آن‌ها را به عنوان یک گروه به دسیسه‌های پنهانی و خبیثانه متهم کنند. بنابراین در اینجا یک همپوشانی اساسی با روایت‌های توطئه آشکار می‌شود که در آن‌ها مسئولیت تک تک وقایع یا کل ساختارهای اجتماعی به یک گروه خیالی نسبت داده می‌شود.

در بهار سال 2025 در چارچوب پروژه "Connect" - تنوع از طریق مشارکت" در - DGB Bildungswerk Thüringen e.V (انجمن ثبت شده سازمان آموزش DGB تورینگن) یک سری رویدادهای آنلاین برگزار شد. سخنرانی‌های این سری رویدادها به صورت مکتوب درآمدند و به چندین زبان منتشر شدند. به دلیل آن که سخنرانی مربوط به یهودستیزی و روایت‌های توطئه متأسفانه باید لغو می‌شد، این متن مبتنی بر اطلاعات - Amadeu Antonio Stiftung (بنیاد آماڈو آنتونیو) است. در اینجا اطلاعات بیشتری در مورد آن می‌یابید: [www.amadeu-antonio-stiftung.de/publikationen/](http://www.amadeu-antonio-stiftung.de/publikationen/)

روایت‌های توطئه به تعداد زیاد وجود دارند - و تقریباً همگی شامل کدهای یهودستیزانه هستند. اما چرا این مساله به این صورت است، حتی اگر در نگاه اول اصلاً موضوع یهودیان مطرح نباشد؟ متن زیر پاسخی ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که همپوشانی‌ها تصادفی نیستند. زیرا یهودستیزی و روایت‌های توطئه از نظر تاریخی، ساختاری و کارکردی با یکدیگر مرتبط هستند. یعنی این که روند تحول تاریخی آن‌ها با یکدیگر ارتباط دارند، از نظر محتوایی دارای ساختار مشابهی هستند و هر دو کارکردهای اجتماعی مشخصی را محقق می‌کنند.

حداکثر از اواخر قرون وسطی روایت‌های توطئه درباره «یهودیان» در جوامع اکثریت مسیحی اروپا رواج یافته‌اند. از نظر تاریخی مسیحیت در خاور میانه به عنوان انشعابی از یهودیت به وجود آمده است، بنابراین هر دو

اگر در این متن «یهودی» داخل گیومه قرار دارد، منظور از آن یهودیان واقعی نیستند، بلکه منظور تصور یهودستیزانه از آن‌ها است.

دین دارای ریشه‌های مشترکی هستند - و بر سر پیروان با هم رقابت می‌کردند. برای متقاعد کردن افراد در مورد این که بهتر است از دین جدید مسیحیت پیروی کنند، باید دلیلی پیدا می‌کردند که چرا یهودیت تا کنون رواج یافته ظاهراً بد بود. با گسترش روزافزون دین مسیحیت یهودیان یک اقلیت مشهود را تشکیل می‌دادند که به طور مکرر علیه آن‌ها اتهاماتی مطرح می‌شد. آن‌ها را متهم می‌کردند که می‌خواهند از طریق آیین‌های مخفیانه یا اعمال مجرمانه به جامعه آسیب بزنند یا حتی آن را نابود کنند. به این ترتیب این اتهام که «یهودیان» چاه‌های آب را مسموم می‌کنند و با این کار موجب بروز بیماری‌هایی می‌شوند که در غیر این صورت قابل توضیح نبودند، در گذر تاریخ به طور مرتب تکرار می‌شد. تفاسیر مذهبی پایه و اساس این افسانه‌ها را بنا نهادند: ظاهراً یهودیان مسئول قتل عیسی مسیح بودند و از آن زمان سعی می‌کنند که این عمل را به صورت نمادین تکرار کنند. آن‌ها به عنوان عوامل ضد مسیح و بنابراین به عنوان افراد دارای انگیزه‌های شرورانه تلقی می‌شوند. از دیرباز این طرز نگاه موجب طرد یهودستیزانه، خشونت و حملات خشونت آمیز علیه اقلیت‌ها شده است.

از هر یک از اتهامات در طی قرن‌ها افسانه «توطئه جهانی یهودیان» شکل گرفت. از قرن 18 نیات توطئه آمیزی که به یهودیان نسبت داده می‌شدند، از انگیزه‌های صرفاً مذهبی فاصله گرفتند. در جریان تحولات اجتماعی بزرگ مانند انقلاب فرانسه یا صنعتی شدن، روایت‌های توطئه جدیدی نیز، به طور مثال درباره انجمن‌های مخفی مانند ایلومیناتی‌ها و فراماسون‌ها یا درباره سوسیالیست‌ها به وجود آمدند. البته این داستان‌ها نیز به «یهودیان» نسبت داده می‌شدند. علاوه بر این یک شکل نژادپرستانه یهودستیزی به وجود آمد. به یهودیان دیگر فقط به عنوان اعضای یک دین دیگر نگریسته نمی‌شد، بلکه به عنوان اعضای یک «نژاد» دیگر تلقی می‌شدند. به این ترتیب برای آن‌ها به مراتب کمتر امکان پذیر می‌شد که از نفرت یهودستیزانه به طور مثال از طریق سازگاری اجتماعی یا تغییر دین فرار کنند. در دوران مدرن یهودیان با پدیده‌های جهانی مختلف که منفی تلقی می‌شدند، به طور دلخواه مثلاً با سرمایه داری یا کمونیسم یکسان در نظر گرفته می‌شدند. افسانه «توطئه جهانی یهودیان» این نسبت‌های تا حدودی متناقض را با هم متحد می‌کرد. «یهودیان» به عنوان قدرت تشخیص یافته و مخفی ظاهر می‌شدند که همه بدی‌های دنیای مدرن به آن‌ها نسبت داده می‌شود. بر این اساس روایت‌های توطئه و یهودستیزی از نظر تاریخی مانند حال حاضر قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.

### دو پدیده، یک ساختار، کارکردهای مشترک

اما چرا این دو پدیده چنین در هم تنیده شده‌اند و تا امروز چنین سرسختانه پابرجا مانده‌اند؟ یک دلیل در ساختار مشابه آن‌ها نهفته است. روایت‌های توطئه و همچنین یهودستیزی مبتنی بر الگوهای تفسیر ساده و دوگانه هستند: جهان به یک الگوی خیر و شر تقسیم می‌شود، تضادها و پیچیدگی از بین می‌روند. روایت‌های توطئه به دنبال یک «کیستی؟» تشخیص یافته هستند - به دنبال مسئولان مشخص، به دنبال عروسک گردان‌ها و متنفعان. در نتیجه تحولات اجتماعی که منفی تلقی می‌شوند، به یک گروه ظاهراً مقصر فراقکفی می‌شوند. یهودستیزی همیشه یهودیان را به هدف این فراقکفی تبدیل کرده است. ساختار روایت‌های توطئه و ریشه تاریخی آن‌ها این روایت‌ها را از نظر ساختاری یهودستیزانه می‌کند: حتی هنگامی که از هیچ شخص یهودی با ذکر اسم نام برده نمی‌شود، اغلب از کلمات کد مانند «گروه برگزیده»، «قدرت‌های مالی» یا «گلوبالیست‌ها» استفاده می‌شود. و روایت‌های توطئه حتی بدون مقصر دانستن

واژه "Pogrom" مترادف حملات خشونت آمیزی است که به صورت دسته جمعی توسط جامعه اکثریت علیه اقلیت‌ها انجام می‌شوند و در آن‌ها زمامداران دولتی یا سایر صاحب منصبان عمداً مداخله نمی‌کنند. اغلب از این واژه برای حملات خشونت آمیز علیه یهودیان استفاده می‌شود.

صریح همیشه پذیرای تفسیرهای یهودستیزانه هستند – و بنابراین اشاعه آن‌ها یک خطر واقعی برای یهودیان است.

کلمه «گلوبالیسم» (جهانی‌گرایی) اغلب توسط راست‌گرایان افراطی به جای «جهانی شدن» مورد استفاده قرار می‌گیرد تا نشان دهند که آن‌ها جهانی شدن را رد می‌کنند، زیرا از طریق در هم تنیدگی‌های بین‌المللی ظاهراً واحدهای «طبیعی» مانند ملت‌ها، مردمان و فرهنگ‌ها تضعیف می‌شوند. این اتهام نیز جزئی از «گلوبالیسم» است که یک گروه برگزیده فعال بین‌المللی وجود دارد که همه جنبه‌های تشکیل شبکه بین‌المللی را هدایت می‌کند و از آن سود می‌برد. بنابراین منظور از «گلوبالیست‌ها» یهودیان هستند.

شبهات‌های به طور کلی غیر قابل‌تغییری هستند. به این ترتیب گروه خودی‌عاری از تضادها است و هر یک از پیروان می‌توانند کاملاً در جامعه ادغام شوند. البته این همچنین به این معناست که هیچ‌کس اجازه ابراز مخالفت ندارد و منافع متفاوت اقلیت‌ها وجود ندارد. پیامد این امر یک نیروی محرکه ضد دموکراسی است: کسی که خود را حق به جانب و در طرف خیر می‌داند و دیگران را «فریب‌خورده» یا بخشی از یک توطئه تلقی می‌کند، می‌تواند مبانی اصلی دموکراسی مانند تنوع نظرات و مصالحه‌های سیاسی را فقط رد کند. در صورتی که مخالف سیاسی به دلیل صرفاً تفکر در دسته بندی‌های افراطی به دشمن تبدیل شود، این امر همچنین به خشونت سیاسی به عنوان «دفاع مشروع» ظاهری مشروعیت می‌بخشد.

### رونق اقتصادی در زمان‌های بحران

بر این اساس ایدئولوژی‌های تئوری و یهودستیزی همچنین در مخالفت عمیق با مدرنیته در قالب جوامع دموکراتیک و متنوع اشتراک نظر دارند. به دلیل آن که یهودستیزان و افراد معتقد به توطئه خودشان مشتاق بازگشت به یک «نظم طبیعی» هستند که در آن گروه‌ها جایگاه‌های مشخص و غیر قابل‌تغییری دارند، تحولات آزادی اجتماعی را به عنوان تهدید تلقی می‌کنند. همزمان جوامع مدرن در مشاهده عینی با سرعت بیشتری تغییر می‌کنند و مدام پیچیده‌تر می‌شوند. از این امر فرصت‌های زیادی برای هضم و پردازش پدیده‌های به سختی قابل‌درک از طریق «توضیحات ساده»، آن‌گونه که روایت‌های توطئه ارائه می‌کنند، ایجاد می‌شود. البته باور کردن چنین روایت‌هایی به طور مرتب و ایجاد ذهنیت توطئه به همین سادگی اتفاق نمی‌افتد، بلکه به تأثیرات از قبل موجودی ارتباط دارد که البته بسیار رواج یافته‌اند. طرح مطالعاتی موسوم به Mitte-Studie که دیدگاه‌های راست‌گرایان افراطی را در جامعه آلمان مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد، برای سال 2022/23 تصریح نموده است که 38 درصد سؤال‌شوندگان به باورهای توطئه‌گرایی دارند – و این روند رو به رشد است.

ایدئولوژی‌های توطئه اغلب به عنوان واکنش به تجربه از دست دادن کنترل به وجود می‌آیند. احساس‌های فقدان قدرت، ناامنی و ترس ممکن است از این طریق مهار شوند. وقایع پیچیده یا تهدیدکننده از طریق چنین روایت‌هایی قابل‌دسته‌بندی هستند و می‌توان آن‌ها را در یک تصویر منسجم از جهان ادغام نمود. به همین

علاوه بر این تفاسیر یهودستیزانه و توطئه‌آمیز از جهان کارکردهای «مثبتی» را در یک سطح روانی-عاطفی و همچنین در سطح هویت‌سازی محقق می‌سازند. روایت‌های توطئه تجربه‌های از دست دادن کنترل، فقدان قدرت و ناامنی را از نظر روانی تعدیل می‌کنند. آن‌ها به افراد در تفسیر تحولات اجتماعی پیچیده به شیوه ساده کمک می‌کنند. به جای آن که مجبور باشند تضادها یا عدم قطعیت‌ها را تحمل کنند، تصویرهای واضحی از دشمن ایجاد می‌شوند که راهنمایی برای عمل ارائه می‌کنند: کسی که یک بار «دست‌های پشت پرده» را شناسایی کرده باشد، دیگر احساس عدم قدرت نمی‌کند.

علاوه بر این باور توطئه و یهودستیزی یک پیشنهاد هویتی انحصاری و جذاب ارائه می‌کنند. پیروان خود را به عنوان جزئی از یک اقلیت روشنفکر تلقی می‌کنند که «حقیقت» را می‌داند. علاوه بر این آن‌ها در یک تصور از جهان دو شقه شده در طرف «خیر» قرار می‌گیرند، زیرا آن‌ها از «شر» یا از «تهدید پنهان» فاصله می‌گیرند. اغلب (و به خصوص در یهودستیزی) این مساله به عنوان احساس تعلق قوی به یک ملت تجربه می‌شود. به این ترتیب ملت خودی به جامعه هم‌سرنوشت یکپارچه و کلیت هویت‌گرا تبدیل می‌شود. این تصور در این ارتباط فرض می‌کند که افراد به دلیل تعلق به گروه خود دارای

## متن‌های چندزبانه بیشتر مربوط به موضوع یهودستیزی

همه موضوعات دیگر سری رویدادها و آثار منتشر  
شده را در وب سایت ما:

[www.dgb-bwt.de/wissen-fuer-alle](http://www.dgb-bwt.de/wissen-fuer-alle)

همه متن‌ها به زبان‌های زیر در دسترس هستند:  
عربی، دری، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، لهستانی،  
روسی، اسپانیایی، ویتنامی.

دلیل ایدئولوژی‌های توطئه به خصوص در زمان‌های  
بحران‌های جهانی و تحولات تاثیرگذار ظاهر می‌شوند.  
حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 یا همه‌گیری جهانی  
کرونا مثال‌هایی از این دست هستند. دقیقاً این همه‌گیری  
جهانی دوباره مشخص کرد که روایت‌های توطئه چه  
ارتباط تنگاتنگی با تصورات یهودستیزانه دارند. بسیاری از  
افرادى که وجود کرونا را انکار می‌کردند، در تظاهرات یک  
«ستاره یهودی» را که در دوران نازی‌ها سوسیالیسم  
برای علامت‌گذاری اجباری یهودیان مورد استفاده قرار  
می‌گرفت، با خود حمل می‌کردند تا خود را قربانی جلوه  
بدهند. این کار کم اهمیت جلوه دادن هولوکاست است  
که در آن 6 میلیون یهودی و صدها هزار انسان دیگر به  
قتل رسیدند. یک مثال دیگر ادعای رئیس جمهور  
مجارستان ویکتور اُربان است مبنی بر این که کرونا به  
عنوان سلاح بیولوژیکی توسط میلیاردر یهودی جرج  
سوروس تامین مالی شده است.

بنابراین مساله روز بودن ارتباط یهودستیزی و روایت‌های  
توطئه غیر قابل انکار است. به دلیل آن که آن‌ها به عنوان  
پدیده‌های ضد دموکراسی از یکدیگر قابل تفکیک نیستند،  
باید با آن‌ها با هم مقابله شود. این امر نه تنها شامل  
شناسایی پتانسیل خطرات آن‌ها می‌شود، بلکه همچنین  
درک این مساله را که چه چیزی آن‌ها را برای پیروانشان  
جذاب می‌کند، در بر می‌گیرد.

In Trägerschaft  
des:



Im Rahmen des  
Bundesprogramms:



Gefördert durch  
das:



Administriert durch  
das:

